



فرصت ها و تهدیدهای

نظام پارلمانی

حزب همدلی مردم تهران (همت)

پژوهشگر: سعید فخرواعظمی

عضو شورای مرکزی حزب همدلی مردم تهران

(همت)



فهرست :

- پیشگفتار (سید احمد نبوی ؛ دبیر کل حزب همت) ۳
- مقدمه ۶
- انواع نظام های سیاسی ۸
- نظام ریاستی ۸
 - نظام شبه ریاستی ۱۰
 - نظام پارلمانی ۱۲
 - تک حزبی ۱۵
 - نظام سلطنت مطلقه ۱۶
 - نظام مشروطه ۱۶
 - پراکندگی حکومت ها ۱۷
- سابقه پیدایش نظام پارلمانی ۱۹
- مرحله اول ؛ ایجاد شورای ویزنگاموت بین قرن هفتم تا یازدهم ۱۹
 - مرحله دوم ؛ ایجاد پادشاهی قدرتمند و متمرکز با ورود نُرمنها به بریتانیا ۱۹
 - مرحله سوم ؛ اتحاد بارونها علیه اختیارات گسترده پادشاه ۲۰
 - مرحله چهارم ؛ ایجاد عنوان پارلمان در سال ۱۲۶۵ ۲۰
 - مرحله پنجم ؛ استقرار دولت جمهوری بورژوازی در سال ۱۶۴۹ میلادی ۲۱
 - مرحله ششم ؛ احیای مجدد مجلس اعیان در سال ۱۶۶۰ میلادی ۲۲
 - مرحله هفتم ؛ وقوع انقلاب آرام در سال ۱۶۸۸ ۲۲
 - مرحله هشتم ؛ ایجاد مقام نخست وزیری ۲۳

۲۵ ساختار پارلمان

- ۲۷ شاخصه های نظام پارلمانی و ریاستی
- ۳۰ تفاوت نظام ریاستی با نظام پارلمانی چیست
- ۳۲ ویژگی هایی نظام پارلمانی در مقابل نظام ریاستی چیست
- ۳۳ مزایا و معایب نظام پارلمانی
- ۳۳ مزایا
- ۴۰ معایب

۴۵ جمهوری اسلامی ایران

- گمانه‌هایی در مورد چرایی طرح مسئله تغییر نظام ریاستی از سوی مقام معظم رهبری ۴۶
- چرا بعد از ۲۸ سال می توانیم به فکر بازگشت به نظام پارلمانی باشیم ۴۹
- نظرات صاحب نظران در باب نظام پارلمانی ۵۰
- نظر چند تن از کارشناسان و فعالین سیاسی موافق با نظام پارلمانی ۵۰
- کارشناسان مخالف نظام پارلمانی چه می گویند ۵۴
- هدف نمایندگان از نام‌گذاری برای بازنگری در قانون اساسی چه بود ۵۶
- دلیل اختلافات رؤسای جمهور با مجلس ۵۷
- چطور می توان در قانون اساسی بازنگری کرد ۵۸
- منابع و مآخذ ۶۱

پیشگفتار :

نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران را می توان به دو دوره تقسیم کرد :

۱. از سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۶۸

۲. از سال ۱۳۶۸ تا کنون که ادامه دارد

در دوره ده ساله اول ریاست جمهوری ، با انتخاب نخست وزیر و رای اعتماد وی از مجلس شورای اسلامی ، رئیس جمهور دارای مسئولیتی بیشتر نظارتی و تشریفاتی بود و نخست وزیر در حقیقت رئیس هیئت دولت که در این شرایط رای مستقیم مردم به رئیس جمهور بود و وی نماینده مستقیم و بی واسطه جمهور و نخست وزیر معرفی شده از سوی ایشان که رای اعتماد را از مجلس می آورد نیز به صورت غیر مستقیم دارای آراء ملت از طرف نمایندگان آنان بود .

در این دوران ده ساله به جز دوره کوتاه ریاست جمهوری شهید رجایی و نخست وزیری شهید باهنر که بین این دو شهید بزرگوار تقریبا هیچگونه اختلافی نبود، در بقیه ادوار این دوره ده ساله هیچ رئیس جمهوری با نخست وزیر منتخب خود و ملت هماهنگ نبود و در دوران سخت دفاع مقدس نیز این وضعیت ادامه داشت و شاید یکی از دلایل مهمی که حضرت امام خمینی (ره) با تغییر قانون اساسی به صورت ریاستی تام یعنی رئیس جمهور منتخب ملت ، رئیس هیئت وزرا باشد را پذیرفتند (البته مسیر قانونی آن و نهایتا رای مثبت مردم به تغییر اصل مذکور

نیز به صورت قانونی شکل گرفت) تا شاید مشکل اختلاف نظر رئیس جمهور و نخست وزیر برای همیشه در نظام سیاسی ما حل شود .

از سال ۱۳۶۸ تا کنون ۴ دوره ریاست جمهوری ۸ ساله داشته ایم (البته آخرین رئیس جمهور یعنی دکتر حسن روحانی در سالهای پایانی ۸ ساله خود می باشد) که باید از مردم و دولت ها و مسئولین کشور پرسید که آیا نظام ریاستی تام نتایج مثبتی در پی داشته است ؟

مردم با تمام توان رئیس جمهور مورد علاقه خود را انتخاب می کردند ، رئیس جمهور در دو سال اول فعالیت خود سعی میکرد تا اثبات کند شرایط بسیار بغرنجی را از رئیس جمهور قبل تحویل گرفته است ، دو سال دوم را به افتتاح های مختلف میگذراند تا دور دوم ریاست جمهوری را بدست بیاورد و البته تا کنون مردم اثبات کرده اند که برای فرصت دادن به رئیس جمهور خود ، دوره دوم را نیز به آنان رای بیشتر از دوره اول داده اند.

در دوره دوم ، دو سال اول فعالیت خود را به کارهای عادی اداره کشور میپرداختند و در دوسال آخر حکومت داری ، روسای جمهور محترم شروع به معرفی خود به عنوان یک دولت بی اختیار می پرداختند و تمام تقصیر های عدم پیشرفت را به نهادهای خارج از اختیار خود هدایت می کردند ، در تمام چهار دوره گذشته این اتفاق به طور کامل رخ داده است که این نوشتار به دنبال رد یا اثبات این موضوع نمی باشد و تنها یک پرسش وجود دارد و آن این است که آیا نظام ریاستی مشکلات کشور را مرتفع کرده است؟

طبیعتاً نارضایتی مردم از وضعیت موجود نشان دهنده پاسخ منفی به این سوال می باشد .

اما راه چاره چیست ؟

جزوه پیش روی شما سعی می کند تا نظام پارلمانی را به کشور معرفی نماید و تجزیه و تحلیل اینکه این نظام میتواند جایگزین نظام ریاستی باشد یا خیر را به عهده کارشناسان ، تحلیلگران و مردم میگذارد .

با تشکر

سید احمد نبوی

دبیر کل حزب همدلی مردم تهران

(همت)

مقدمه :



مدتی است که بحث فرصتها و مزایای تغییر نظام جمهوری اسلامی ایران به پارلمانی در محافل سیاسی و حقوقی کشور آغاز شده است و گاهی نیز از مراجع رسمی، مخصوصاً تربیون مجلس شورای اسلامی، مطرح میشود. در همین راستا رهبر معظم انقلاب در دیدار با دانشگاهیان استان کرمانشاه در تاریخ ۲۴ مهر ۱۳۹۰ تصریح فرمودند:

فرض بفرمایید ما یک روزی در قانون اساسی نخست وزیر و رئیس جمهور داشتیم، با یک شکل خاصی؛ بعد تجربه به ما نشان داد که این درست نیست. امام دستور دادند گروهی از خبرگان ملت، از دانشگاهیان، از روحانیون، از مجلس شورای اسلامی، از برجستگان و نخبگان بنشینند و آنچنان که بر طبق نیاز است، آن را تغییر بدهند. همین کار را هم کردند. یا در زمینه قضا همین جور. در آینده هم اینها قابل تغییر است.

امروز نظام ما نظام ریاستی است؛ یعنی مردم با رأی مستقیم خودشان رئیس جمهور را انتخاب میکنند؛ تا الان هم شیوه بسیار خوب و تجربه شده ایی است. اگر یک روزی در آینده های دور یا نزدیک که احتمالاً در آینده های نزدیک، چنین چیزی پیش نمی آید احساس بشود که به

جای نظام ریاستی مثلاً نظام پارلمانی مطلوب است مثل اینکه در بعضی از کشورهای دنیا معمول است هیچ اشکالی ندارد؛ نظام جمهوری اسلامی میتواند این خط هندسی را به این خط دیگر هندسی تبدیل کند؛ تفاوتی نمیکند و از این قبیل. البته همین تغییر هم باید متکی به اصول باشد. همین نگاه دوباره و نوسازی و بازسازی هم بایستی ناظر به اصول باشد؛ برگرفته و برخاسته از اصول اسلامی باشد. مثلاً فرض بفرمایید شایسته سالاری احساس بشود که شایسته سالاری به این شکل بهتر تحقق پیدا میکند؛ یا عدالت، به این شکل، بهتر تحقق پیدا میکند.

در این گزارش ضمن بررسی نظامهای موجود در دنیا، همچنین روندکاوی پیدایش نظام پارلمانی در بریتانیا، به مهمترین مزایا و معایب نظام پارلمانی نیز اشاره میشود.

انواع نظامهای سیاسی :



در مطالعات علوم سیاسی، نظامهای سیاسی مختلفی وجود دارند. ولی با توجه به هدف این گزارش ضمن بررسی معایب و مزایای نظام پارلمانی، به صورت مختصر به تمام نظام های حکومتی موجود در دنیا اشاره میشود.

نظامهای ریاستی :

نظام سیاسی جهان با توجه به شکل و ساخت قدرت دولتی و همه نهادهای عمومی و قوانین حاکم بر آنها از همدیگر تفکیک می شوند و دارای انواع گوناگونی هستند. یکی از انواع دسته بندی های نظام های سیاسی، نظام سیاسی ریاستی در مقابل نظام سیاسی پارلمانی است. به طور خلاصه نظام ریاستی را این گونه می توان تعریف کرد:

« نظامی است که در آن تفکیک قوا به طور مطلق در قانون اساسی اعلام شده و قوه مجریه در دست رئیس جمهور که مستقیماً از طرف ملت انتخاب می شود، متمرکز باشد و شخص رئیس جمهور و وزیران در برابر قوه مقننه یا پارلمان مسئولیت ندارند. »

در این نوع از نظام سیاسی، حاکمیت ملی در دو نوبت تجلی می یابد :

اول برای انتخاب متصدی اصلی قوه مجریه که رئیس جمهور می باشد و برای مدت معینی با رای همگانی برگزیده می شود .

دوم انتخابات نمایندگان قوه مقننه در انتخاباتی جداگانه به وسیله مردم که آن هم برای مدت مشخصی است، تعیین می شوند.

بارزترین نمونه نظام سیاسی ریاستی در دنیا، نظام سیاسی آمریکا است که به سایر کشورهای قاره آمریکا - به جز تعداد معدودی از آنها - و حتی پاره ای از کشورهای آفریقایی نیز سرایت کرده است. عنوان ریاستی از این حیث رایج شده است که در نظام تفکیک انعطاف ناپذیر قوا بویژه در آمریکا، رئیس جمهور به مناسبت داشتن نقش دوگانه (رئیس جمهور + رئیس الوزراء) مهمترین کلید کاربردی نظام آمریکایی است و در راه بردن سیاست و فرمانروایی به کشور نقش درجه اول را به عهده دارد. نظام ریاستی آمریکا براساس قانون اساسی این کشور (۱۷۸۷ ، که بعدها متمم هایی نیز به آن افزوده شد) استوار است. در آن قانون اساسی این موارد وجود دارد:

- ۱- جمع شدن قدرت واقعی در دست رئیس جمهور؛
- ۲- یک رئیسی بودن قوه مجریه و نبودن رئیس دیگر برای هیات وزیران؛

۳- قانونگذاری مرکب از دومجلس (سنا و نمایندگان) ؛

۴- قوه قضائیه مستقل از دو قوه دیگر .

با وجودی که در نظام های ریاستی، دو قوه (مجریه و مقننه) ظاهرا در یک سطح قرار دارند و دارای پشتوانه مساوی هستند و هیچکدام از دو قوه نمی توانند دوره کارکرد قوه مقابل را از راه انحلال یا سقوط، کوتاه کنند - نه حکومت قادر است پارلمان را منحل کند و نه نمایندگان پارلمان توانایی آن را دارند که رئیس جمهوری و وزرای او را از کار برکنار نمایند - و بدین صورت جلوه می نماید که تفکیک قوای مطلق حاکم است، اما در عمل میان رئیس جمهور (مجریه) و کنگره (مقننه) پیوند بسیار تنگاتنگی وجود دارد. زیرا رئیس جمهور نسبت به قوانین مصوب کنگره حق وتوی تعلیقی (مخالفت و نه گفتن) دارد و کنگره نیز می تواند لایحه های پیشنهادی رئیس جمهور - بویژه در امور مالی - را تصویب نکند. موارد دیگری نیز وجود دارد که باعث شده است عده ای از کاربرد اصطلاح تفکیک قوای مطلق خودداری کنند و به جای آن از اصطلاحاتی نظیر تفکیک قوای انعطاف ناپذیر و کم انعطاف استفاده کنند .

نظام های شبه ریاستی :

در سال ۱۹۸۷ اصطلاح نظام شبه ریاستی برای اولین بار توسط «موریس دوورژه» برای توصیف جمهوری پنجم فرانسه به کار گرفته شد .فرانسه بارزترین مصداق نظام شبه ریاستی است که از چهارم اکتبر با تصویب قانون اساسی جمهوری

پنجم با این شیوه اداره میشود. فرانسه تا پیش از آن با نوعی نظام پارلمانی اداره میشد که تفکیک قوا نیز در آن رعایت شده بود و دولت ها به راحتی توسط پارلمان سرنگون میشدند. ژنرال دوگل برای حل این معضل بر انتخاب رئیس جمهور با رأی مردم تأکید و در نهایت موفق شد با اصلاح قانون اساسی، دامنه اختیارات ریاست جمهوری را گسترش دهد.

در نظام شبه ریاستی یا شبه پارلمانی، ویژگیهای نظام ریاستی و نظام پارلمانی در هم تلفیق شدهاند. در این الگو همانند نظام ریاستی، ریاست دولت برعهده رئیس جمهوری است که در انتخابات عمومی به قدرت رسیده و مظهر حاکمیت ملی محسوب میشود و از مسئولیت سیاسی در برابر پارلمان مبرا است، اما برخلاف نظامهای ریاستی و به شیوه نظامهای پارلمانی، هیئت وزیران با دریافت رأی اعتماد از نمایندگان پارلمان رسمیت پیدا میکند و رئیس جمهور یا وزراء در برابر پارلمان مسئولیت سیاسی دارند و نمایندگان قادرند با رأی عدم اعتماد، هیئت دولت را از قدرت برکنار کنند. از طرفی دولت چون برآمده از پارلمان نیست در برابر برخی مصوبات قانونگذاران از خود مقاومت نشان میدهد که این امر در برخی مواقع، تنشهایی سیاسی بین دو قوه را افزایش میدهد. در نظام های شبه ریاستی برخلاف نظام های پارلمانی، رئیس کشور صرفاً یک مقام تشریفاتی نیست و از اختیارات فراوانی برخوردار است.

نظام پارلمانی (نظام مجلس محوری):

پارلمان را قلب تپنده دموکراسی گفته اند و یکی از ارکان دولت را تشکیل می دهد. این امر به اندازه ایی مهم است که می توان ماهیت دولت ها را بر بنیاد چگونه گی انتخابات و چگونه گی پارلمان آنها شناخت.

یک نظام غیر دموکراتیک و غیر مومن به اصول دموکراسی هیچوقت اجازه نمی دهد که یک پارلمان دموکراتیک که بتواند به گونه واقعی از مردم نمایندگی کند به وجود آید.

از همین جا می توان گفت که پارلمان ویژه نظام های دموکراتیک نیست؛ بلکه پارلمان ها در نظام های غیردموکراتیک و استبدادی نیز وجود دارد.

اما مشروعیت چنین پارلمانهایی همواره زیر سوال است . برای آن که پارلمان مشروعیت خود را مستقیماً از اراده و رای مردم به دست می آورد .

در صورتی که دولت ها با مداخله خود مانع راه یابی شخصیت های مورد علاقه و اعتماد مردم به پارلمان شوند در این صورت اراده و رای مردم اهمیت خود را از دست می دهد . در جهت دیگر چنین دولت های به جای شخصیت های مورد اعتماد مردم ، گماشته گان خود را به پارلمان می فرستند.

زمانی هم که انتخابات هیئت رهبری پارلمان و تعیین کمیته های تخصصی در آن آغاز می شود، در این جا دیگر مردم نقش مستقیم ندارند و دولت می تواند با استفاده از گماشته گان خویش وضعیت را به نفع خود تغییر دهد.

بنا چگونه گی انتخابات و موضع گیری دولت در انتخابات یک امر بسیار مهم و حیاتی است.

هدف از موجودیت ناظران ملی و بین المللی نیز همین است تا حد امکان از تقلب و مداخله دولت در انتخابات جلوگیری به عمل آید .

پارلمان را در ادبیات سیاسی به نام خانه مردم نیز یاد می کنند. این امر به این مفهوم است که مردم اراده خود را با آگاهی ، رضایت و آزادی به کسی داده و از او می خواهد تا اراده ی آنها را تمثیل کند.

زمانی که بر خلاف اراده مردم افراد وابسته به دولت در اثر مداخله دولت و دیگر منابع قدرت به پارلمان راه می یابند در این صورت پارلمان مفهوم خود را از دست داده و به وسیله ایی در دست نیروی اجراییه قرار می گیرد.

پارلمان جایگاه بحث در پیوند به مسایل مهم سیاسی- اجتماعی کشور است ؛ اما مسوولیت عمده و اساسی پارلمان تصویب قوانین است. چنین است که پارلمان را به نام قوه قانونگذار نیز یاد کرده اند.

این که این قوانین چقدر به نفع مردم و یا حاکمیت است ، این امر وابسته به ماهیت پارلمان می باشد. برای آن که پارلمان های وابسته به قوه مجریه بیشتر از این که خدمتگذار مردم باشند ، خدمتگذار حاکمیت می باشند. دریک کلام می توان گفت که پارلمان های وابسته، پارلمان های مشروع نیستند. برای آن که اراده مردم را تمثیل نمی کنند.

شمار نماینده گان در پارلمانهای کشور های گوناگون از هم فرق دارد . این امر به تناسب نفوس کشور های نیز وابسته نیست.

به گونهء عمومی شمار نماینده گان در پارلمان های مختلف در میان ۱۰۰ تا ۳۰۰ تن بوده است.

پارلمانهای قدیم در اروپا تا ۶۰۰ تن عضو داشته اند .مجلس نماینده گان ایالات متحد امریکا ۴۳۵ تن عضو دارد.

همان گونه که پیش از این گفته شد پارلمانها همیشه به یک پیمانہ دموکراتیک نبوده اند . چنان که میزان مشارکت مردم در انتخابات همواره یکسان نبوده است . در آغاز بخشی از جامعه بنا بر قیودی که وجود داشت نمی توانستند در انتخابات اشتراک کنند. از این نقطه نظر همه گان از حق برابر مدنی برخوردار نبودند. پارلمانهای که در موجودیت چنین شرایطی پدید می آمدند، نمی توانستند تبلور ارادهء مردم باشند.

اما با گذشت زمان محدودیت ها و قیود ها کاهش یافت . این امر سبب آن شد تا میزان مشارکت مردم بالا برود . برای آن که هر قدر که قیود و شرایط بازدارنده در جهت سهم گیری و مشارکت مردم در انتخابات و پروسه های سیاسی – اجتماعی از میان برداشته شود به همان اندازه پارلمان بیشتر کیفیت دموکراتیک تری پیدا می کند.

برای این که در این حالت شمار بیشتری مردم در انتخابات اشتراک می کنند و به نماینده دلخواه و قابل اعتماد خود رای می دهند.

البته امروزه دیگر مسایل مربوط به مذهب، نژاد نمی تواند معیار اشتراک در انتخابات باشد. البته این امر به این مفهوم نیست که در ارتباط به انتخابات پارلمانی و نامزدی در انتخابات پارلمانی هیچگونه شرايطی وجود ندارد. برای آن که هر انتخاباتی بر اساس قوانین انتخابات آن کشور راه اندازی می شود که کلیه شرایط، معیار ها و موازین انتخاباتی در آن قوانین مشخص می باشد.

نظام تک حزبی :

شیوه ای از حکومت حزبی است که در آن یک حزب سیاسی مشخص حکومت می کند و هیچ حزب دیگری اجازه معرفی نامزد برای انتخابات ندارد. بعضی حکومت های تک حزبی احزاب مخالف را تحمل نمی کنند اما به احزاب وابسته و زیر مجموعه خود اجازه فعالیت می دهند.

نمونه های این نوع حکومت را در چین، کوبا و سوریه (پیش از جنگ داخلی) می توان یافت. در چین و کوبا حزب کمونیست حکومت می کند. در سوریه حزب بعث طبق قانون اساسی حزب حاکم بود، اما احزاب و گروه های وابسته به این حزب اجازه فعالیت محدود داشتند.

نظام سلطنت مطلقه :

حکومتی است که شاه یا ملکه در آن بر تمام شئون زندگی رعایای خود مسلط است. بعضی مقامات مذهبی در این نوع حکومت قادرند مقام سلطنت را از برخی اعمال باز دارند و از او انتظار می‌رود به سنت‌ها پایبند باشد، اما قانون اساسی وجود ندارد و از نظر تئوری هیچ محدودیتی بر قدرت مقام سلطنت اعمال نمی‌شود. هر چند در عمل وزن و نفوذ برخی گروه‌های اجتماعی، قدرت سلطنت را محدود می‌کند.

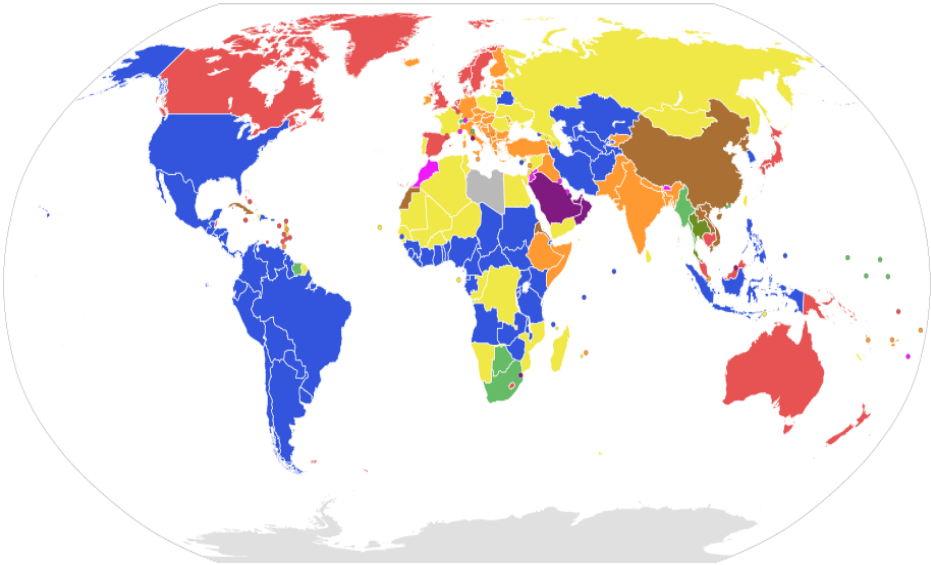
نمونه این نوع حکومت را در عربستان سعودی و بروئنی می‌توان دید.

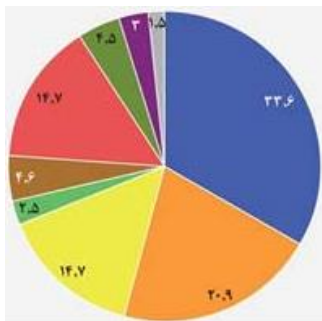
نظام مشروطه :

نوعی از حکومت سلطنتی است که در آن یک پادشاه یا ملکه شخص اول کشور است اما قدرت او را قانون اساسی محدود می‌کند. اکثر کشورهای مشروطه سلطنتی نظام پارلمانی دارند.

نمونه این نوع حکومت را در بریتانیا می‌توان یافت که در آن سلطنت تقریباً مقامی تشریفاتی است و دولتی پارلمانی اداره امور کشور را به عهده دارد.

پراکندگی حکومت ها :





کویت	اندورا	توکیه	بلغارستان	موزامبیک	افغانستان
لیختن اشتاین	Antigua and Barbuda	Vanuatu	Cape Verde	میانمار	انگولا
موناکو			Croatia	نامیبیا	اروگوئه
مراکش	استرالیا	الجزایر	جمهوری چک	نیکاراگوئه	آرمنستان
نوناوا	باهاماس	بورکینافاسو	Dominica	لیجریه	آذربایجان
امارات متحده عربی	باربادوس	Côte d'Ivoire	لیسور شرقی	Palau	بلاروس
	بلژیک	جمهوری	اسلونی	پاناما	Benin
بولسونا	Belize	دموکراتیک کنگو	ایونی	پاراگوئه	بنیوی
جزیره مارشال	Cambodia	جیبوتی	فنلاند	پرو	بوروندی
FSM	کانادا	فرانسه	آلمان	قشبین	کامرون
ناورو	دانمارک	گرجستان	یونان	جمهوری کنگو	جمهوری آفریقای مرکزی
الجزایر جنوبی	کراتادا	کینه بیسانو	Hungary	رواندا	چاد
	جامائیکا	کوبا	ایسلند	Seychelles	سینی
کوبا	زاین	هائیتی	هند	سیرالئون	کلمبیا
اربره	لسوتو	کینا	عراق	کوه جنوبی	Comoros
لاتویا	لوکزامبورگ	لیتوانیا	ایرلند	سودان جنوبی	کاستاریکا
گروه شمالی	مالزی	Lithuania	رژیم سوسیالیستی	سودان	لیبریا
جمهوری خلق چین	هلند	ماداگاسکار	ایتالیا	سورینام	جمهوری دومینیک
Sahrawi Republic	زاندنو	مالی	Latvia	سوئیس	اکوادور
Rapublic	لوروز	موریتانی	لیتوانیا	تایوان	السالوادور
سوریه	Papua New Guinea	مغولستان	مقدونیه	توگو	Equatorial Guinea
ترکمنستان	سنت کیس ولویس	لیچر	مالتا	تونس	کابون
ویتنام	سنت لوسیا	فلسطین	Mauritius	اوگاندا	کامبیا
	سنت وینسنت	برونالدی	مولداوی	اوکراین	گنا
عمان	جزیره سلومون	مولده نگرو	مولده نگرو	ایالات متحده آمریکا	گواتمالا
قطر	اسپانیا	روسیه	لیال	اروگوئه	کینه
عربستان سعودی	سوئد	São Tomé and Príncipe	پاکستان	ازبکستان	هندوراس
سوازیلند	تایلند	سنگال	Poland	ونزوئلا	اندونزی
واتیکان	توانو	سومالی	ساموئا	یمن	فرانسه
یرونی	اتریش	سریلانکا	سن مارینو	زامبیا	کیریباتی
		تایوان	سریلانکا		لیبریا
مصر		تاجیکستان	سنگاپور	البانی	مالاوی
فیجی	بحرین	زیمبابوه	اسلواکی	آلبانی	مالدیو
لیس	یونان		اسلوونی	بنگلادش	مکزیک
	اردن		لریبنادا و توپاگو	بوسنی و هرزگوین	

سابقه پیدایش نظام پارلمانی :



سابقه پیدایش نظام پارلمانی به تاریخ سیاسی اجتماعی بریتانیا گره خورده است . از اینرو در ذیل به فرآیند پیدایش نظام پارلمانی در بریتانیا اشاره شده است:

مرحله اول ؛ ایجاد شورای ویزنگاموت بین قرن هفتم تا

یازدهم:

آنگلوساکسونها از ۵۵۰ تا ۱۰۶۶ میلادی، مهاجران به جزیره بریتانیا بودند . شاه ساکسون به تنهایی حکومت نمیکرد، او شورایی مشورتی با عنوان ویتان (witan) یا ویزنگاموت (Witenagermot) داشت که در حکومت به او یاری میرساندند و گاهی حتی پادشاه جدید را انتخاب میکرد . هنگامی که نرمنها وارد این کشور شدند، بخشی از این نظام را برچیدند و نظام خودشان را جایگزین نمودند. برخی بر این تصورند که بردگی و استبداد با ورود نرمنها به انگلیس باب شد .

مرحله دوم ؛ ایجاد پادشاهی قدرتمند و متمرکز با ورود

نرمنها به بریتانیا :

درحالی که پادشاهی آنگلوساکسون به دلیل تقویت حکومت محلی و تضعیف قدرت پادشاه و رشد ضعیف نظام فئودالیسم، یک نظام آزاد فرض میشد،

ورود نرمنها به تمرکز شدید قدرت در پادشاه منجر شد. اگرچه سنت حکومتی آنگلو ساکسونها شدیداً سرکوب شد، اما هرگز نابود نشد. دلیل آن این بود که نرمنها مجبور به زندگی در یک کشور تحت تصرف و یک سرزمین متخاصم بودند. آنها نمیتوانستند بر مردم جدیدی که تحت سلطه درآورده اند، سخت بگیرند و بر آنها ستم کنند. به همین دلیل « ویلیام اول » سیاست همزیستی را اتخاذ کرد. در طی این سالها نرمنها تفکری از وجود پادشاهان قدرتمند را تقویت نمودند، پادشاهی که مخالف و رقیب اعطای قدرت بیشتر به دولت بود.

مرحله سوم : اتحاد بارونها علیه اختیارات گسترده پادشاه :

درحالی که پادشاه انگلیس همواره نسبت به فئودالها اقتدار زیادی داشت ولی برخلاف ظاهر، قدرت پادشاه سرچشمه ضعف بعدی او شد. زیرا ملت و طبقه متمول با بارونها (نجبا) متحد و علیه اختیارات پادشاه معترض شدند.

مرحله چهارم : ایجاد عنوان پارلمان در سال ۱۲۶۵ :

در قرون وسطی در انگلیس تشکیلی با عنوان «مجمع تیولداران شاه» شکل گرفت که شاه آرا و نظریات خود را به آنان اعلام و حق مالیات گرفتن را به آنان واگذار کرده بود. این مجمع در آغاز « شورای کبیر » انگلیس نام داشت که از نجبا و صاحب منصبان عالی مقام اجرایی تشکیل میشد و به دربار وابسته بود. در سال ۱۲۶۵ میلادی، عنوان این مجمع به پارلمان تغییر یافت.

مرحله پنجم : استقرار دولت جمهوری بورژوازی در سال ۱۶۴۹ میلادی :

در قرن هفدهم ، مناسبات اقتصادی سرمایه سالارانه رو به گسترش بود . اشراف و بخشی از نمایندگان سرمایه داران در پارلمان ، گردهم آمده و سعی داشتند قدرت پادشاه را محدود کنند . در طرف مقابل ، اربابان فئودال از حامیان اصلی پادشاه بودند . پادشاه ، سرمایه داران را ناگزیر ساخته بود تا مالیاتهای سنگین بپردازند . به همین دلیل پارلمان در سال ۱۶۴۰ میلادی با حمایت از سرمایه داران و بورژواها ، علیه پادشاه و فئودالها موضع گرفت .

شاه و حامیان فئودال او سلطنت را موهبت الهی میدانستند . این امر مقدمات بروز یک شورش سراسری را در انگلیس فراهم کرد و مرحله اول «انقلاب بورژوازی» آغاز شد . شاه دستور انحلال پارلمان را صادر کرد ، اما موفق به اجرای آن نشد و پارلمان به کارش ادامه داد که به «پارلمان طولانی» معروف است . در همین سال ، بورژواها ، پیشه وران ، خرده مالکان و روستاییان به نفع پارلمان مسلح شده و خواهان محدود کردن قدرت پادشاه شدند . به همین دلیل از سال ۱۶۴۲ میلادی ، جنگ بین پادشاه و ارتش پارلمان آغاز میشود . فرماندهی ارتش پارلمان با خرده مالکی به نام «الیور کرامول» بود که مخالف نظام فئودالیتة بود . حامیان پادشاه در این جنگ شکست خوردند و «چارلز استوارت اول» ، پادشاه انگلیس دستگیر و پس از تحمل نزدیک به دو سال زندان در ژانویه ۱۶۴۹ گردن زده شد . جمهوری کرامول از سه کنسول ، سه اسقف و

۳۰ نماینده پارلمان تشکیل شده بود که تمامی آنان را وی تعیین میکرد و در رأس تمامی آنها، خود کرامول قرار داشت . کرامول در همان سال نظام جمهوری را اعلام کرد.

«الیور کرامول» را اولین و آخرین رئیس جمهور انگلیس میدانند . شیوه حکمرانی او استبدادی بود و تا زمان مرگش در سوم سپتامبر ۱۶۸۵ میلادی به نفع سرمایه داران ادامه یافت ، ولی به دلیل عدم توجه به خواسته توده مردم، بستر سیاسی وقوع انقلاب سال ۱۶۸۸ پیریزی شد.

مرحله ششم ؛ احیای مجدد مجلس اعیان در سال ۱۶۶۰ میلادی :

مجلس اعیان در زمان حکومت «الیور کرامول» منسوخ شد و مجلس عوام به کنترل کرامول درآمد . پس از مرگ کرامول نهضت « تجدید سلطنت طلبان انگلیس» در سال ۱۶۶۰ پادشاهی و مجلس لردها را احیا کرد.

مرحله هفتم ؛ وقوع انقلاب آرام در سال ۱۶۸۸ :

«جنگهای داخلی انگلیس» به مجموعه‌ای از درگیریهای نظامی و سیاسی اطلاق میشود که در سالهای ۱۶۴۲ تا ۱۶۵۱ بین « پارلمان گرایان » و سلطنت طلبان طرفدار چارلز اول (پادشاه وقت) انگلیس، اسکاتلند و ایرلند که به «کاوالیر» معروف بودند اتفاق افتاد.

در سه جنگ داخلی انگلیس، دستگاه سلطنتی تلاش میکرد حقوق از دست داده خود را احیا کند، ولی در جنگهای داخلی، پارلمان گرایان موفق شدند در سال ۱۶۸۸ سلسله سلطنتی را تغییر دهند. از انقلاب سال ۱۶۸۸، با عناوین «انقلاب باشکوه»، «انقلاب آرام» یا «انقلاب بدون خونریزی» نام میبرند. این انقلاب موجب شد «شاه ویلیام سوم» و «ملکه ماری دوم» به جای «شاه جیمز دوم» به سلطنت برسند. پادشاه جدید موافقت کرد اختیارات نهاد سلطنت محدود و در عوض اختیارات و قدرت پارلمان تقویت شود. سال ۱۶۸۸ را میتوان آغاز استقرار سلطنت محدود به شمار آورد.

مرحله هشتم؛ ایجاد مقام نخست وزیری:

جلوس «جرج اول هانور» معروف به «جرج لوئیز» در سال ۱۷۱۴ به عنوان پادشاه بریتانیا، روند تشکیل نظام پارلمانی را سرعت بخشید. شاه رفته رفته یک نقش تشریفاتی و تزئینی صرف پیدا کرد. همزمان با تحولات داخلی انگلیس، اروپا نیز به سمت نوزایی و رنسانس فکری حرکت کرد و در اثر آن عقاید قدیمی مربوط به حقوق الهی پادشاهان متروک و اعتقاد به حق حاکمیت ملتها جایگزین آن شد که این امر نقش کاتالیزوری را در تثبیت نظام پارلمانی ایفا کرد. در نتیجه با کم رنگ شدن نقش پادشاه در هرم قدرت، نقش «نخستوزیر» در ساختار سیاسی انگلیس پررنگتر شد و به تدریج حلقه های مفقوده نظام پارلمانی در کنار هم قرار گرفتند. همزمان با توسعه احزاب سیاسی در قرن هفدهم، موتور

محركه تثبيت نظام پارلمانی روشن شد . در نتیجه پیدایش نظام پارلمانی در انگلیس، مولود نوزایی فکری، توسعه احزاب سیاسی و شکست فئودالها و سلطنتطلبان در جنگهای داخلی سالهای ۱۶۴۲ تا ۱۶۵۱ بوده است .

ساختار پارلمان :



هیچ پارلمانی نمی تواند به تصمیم مشترکی برسد تا زمانی که اعضای آن در یک ساختار سازمانی قرار نگیرد. هر پارلمان باید ساختارمعینی تشکیلاتی خود را به وجود آورد.

یکی از نخستین وظایف پارلمان این است که اعضای خود را در یک ساختار سازمانی قرار دهد. یعنی باید در نخستین گام به انتخاب هیئت رهبری و کمیته های تخصصی خود بپردازد .

به همین گونه پارلمان ها در نخستین روزهای گشایش خویش لایحه وظایف داخلی خود را می سازد. چنین است که پارلمان به ایجاد ساختارخویش پرداخته و این ساختار می تواند پایه عملکرد پارلمان را مشخص سازد. یک ساختار ناقص یک عملکرد ناقص را در پی خواهد داشت. برای آن که هر عملکردی وابسته به ساختار است. اگر در پارلمان ساختار پویا و زنده پدید نه آید در آن صورت عملکرد پارلمان ناقص و ناموثر خواهد بود.

این شبکه ساختاری پارلمان است که اعضای آن را که دارای حقوق برابر و شأن نمایندگی مساوی اند در موقعیت های اداری متفاوت قرار می دهد. با این حال همه نمایندگان دارای حق رای مساوی هستند .این تقسیم کار در حقیقت سلسله مراتب قدرت را در پارلمان به وجود می آورد.

یکی از بخش های مهم ساختار پارلمان ها ایجاد کمیته های دائمی است. مجلس نماینده گان ایالات متحد امریکا ۲۲ کمیته دارد. در پارلمانهای کشور های اروپایی از ده تا بیست کمیته اختصاصی دائمی وجود دارد.

کمیته ها در پارلمان انگلستان غالباً کمیته های موقت اند. به این مفهوم ، زمانی که مشکلی در یکی از عرصه های اجتماعی ، فرهنگی ، اقتصادی و دیگر مسایل مربوط به زنده گی جامعه پدید آمد، آنها کمیته یی را موظف به حل آن می سازند. چون مشکل به وسیله پارلمان حل گردید، آن کمیته نیز منحل می گردند. کار شناسان این امر را یکی از نقیصه ها و نقطهء ناتوانی پارلمان انگلستان در برابر رهبران و دستگاه دیوانی دولت آن کشور تلقی می کنند.

یکی از وظایف کمیته های پارلمانی اعمال نظارت بر کارکرد وزارتخانه هاست. این امر البته برای پارلمان یک امر بسیار مهم است؛ چنان که می توان گفت که اهمیت این موضوع به هیچ صورت کمتر از اهمیت قانونگذاری نیست. در بسیاری از کشور ها و از جمله در ایالات متحده امریکا شماری از کارشناسان و متخصصان ، کمیته های تخصصی پارلمانی را کمک و یاری می کنند. چنین افرادی در چارچوب یک قرار داد به این کمیته ها مشورت های تخصصی ارائه می کنند و یاری می رسانند.

شاخصه های نظام پارلمانی و ریاستی :

تقریباً همه دانشمندان علوم سیاسی معتقدند که تاریخ طولانی تفکیک قوا محدود به مبدعی به کوتاهی روحالقوانین منتسکیو ، نیست و نظامهای حکومتی از همان ابتدای پیدایش گونه های مختلفی از تفکیک و تجزیه قدرت و مشروعیت را تجربه کرده اند. اما به هر حال نظریه های که در نیمه ی اول قرن هجدهم میلادی توسط بارون دو منتسکیو، اندیشمند شهیر فرانسوی، پیرامون تفکیک قوا ارایه شد و تحولاتی که پس از آن این نظریه را در قالب حکومت با سه قوه حاکمیتی، عمومیت بخشید، مرجعی برای مطالعات سیاسی جدید به حساب می آید.

نظریه تفکیک قوا، نظام حاکمیتی را میان سه بخش تقسیم میکند که در راستای کنترل قدرت ، ناگزیر از استقلال از یکدیگر خواهند بود و نوع رایج این تفکیک به قوای اجرائیه ، مقننه و قضاییه انجامیده است . نظریه تفکیک قوا به دو شاخه منشعب شد ؛

اول آنکه قوای سه گانه باید به طور مطلق از یکدیگر متمایز شوند و در حیطه ی مسئولیتهای همدیگر، مداخله نکنند. آنچه اکنون به عنوان سیستم ریاستی مطرح میشود و در قانون اساسی آمریکا اعمال شده ، نتیجه این نظریه است . در این نظام ، نقش ریاست جمهوری و صدارعظمی هر دو بر دوش یک نفر است. رئیس جمهور در یک انتخاب

دو مرحله ای برای چهار سال انتخاب میشود و همه وزیران را او انتصاب میکند.

دوم نظریه تفکیک قوا، بر این اندیشه است که رابطه میان قوای سه گانه یک رابطه ارگانیک است. بنابر این تفکیک قوا به شکل مطلق امکان ندارد . نتیجه این نظریه نظام پارلمانی است که در کشورهایی چون انگلستان و فرانسه اعمال میشود. در این نظام قوه مجریه بر دو پایه پادشاه یا رئیس جمهور و صدراعظم استوار است . صدراعظم ریاست کابینه را بر دوش دارد و در مقابل پارلمان باید پاسخگو باشد. از حیث نظری، در نظام مبتنی بر ریاست جمهوری ، قوه مجریه در راس دولت و در راس حکومت قرار دارد و اقتدار نمادین و قدرت عملی در وجود یک شخص جمع میشود . اما در نظام پارلمانی ، اقتدار نمادین و قدرت واقعی میان رئیس دولت که معمولاً تشریفاتی است (رئیس جمهور یا پادشاه) و رئیس قدرتمند حکومت (نخست وزیر) تقسیم میشود.

در هر دوی این سیستم های حکومتی نواقصی وجود دارد و به تبع آن نقدهایی به هر کدام وارد شده است . مثلاً در خصوص نظام ریاستی گفته میشود ، معمولاً این گونه نظام ها از ثبات کمتری در تصمیم گیریها نسبت به نظامهای پارلمانی برخوردارند. در نظامهای پارلمانی رئیس منتخب دولت که نقش همان پادشاه مشروطه را ایفا میکند ، فراتر از جر و بحثهای حزبی و گروهی قرار دارد و به عنوان یک مقام عالی به رغم اینکه فاقد قدرت اجرایی به حساب میآید، نمادی از آرامش

و سکون نظام سیاسی و سمبل ملی کشور است که به دلیل عدم پاسخگویی به مجلس ، به عنوان نماد خدشه ناپذیر اتحاد و ملیت یک کشور، نقش آفرینی میکند. اما نظام های پارلمانی نیز ممکن است بی ثبات و ناستوار باشند ، به خصوص اگر هیات قانون گذاری میان حزبهای سیاسی متعددی تقسیم شود . هرگاه هیچ حزب واحدی اکثریت قاطعی در مجلس نداشته باشد، بدون ائتلاف دو حزب یا بیشتر نمیتوان دولتی تشکیل داد. اگر تعدادی از احزاب ضعیف نتوانند به توافق برسند، احتمال بن بست حتمی است. نظامهای پارلمانی پیش از جنگ جهانی دوم در آلمان، ایتالیا، اسپانیا و بسیاری از آشورهای اروپای شرقی به دلیل بروز بن بستهای ناشی از تعصبات تک حزبی فرو پاشیدند . همین طور در سال ۱۹۵۸ شارل دوگل بی ثباتی جمهوری های سوم و چهارم فرانسه را به نظامهای پارلمانی چند حزبی نسبت داد . از این جمهوری ها کابینه هایی برخاستند که نالایق و دارای عمری کوتاه بودند . دوگل ، برای درمان این درد ، نظام مختلطی ابداع کرد که رییس جمهور مقتدر با نخستوزیر و دستگاه قانونگذاری در قدرت سهیم بود. این اصلاحات موجب شد که دولتهایی لایق تر و پایدارتر بر سر کار آیند.

انتقاد دیگری که غالبا بر نظام های ریاستی وارد میآید متمرکز شدن قدرت در دست یک شخص واحد است . این بحث فقط جنبه نظری و دانشگاهی ندارد ؛ به طور آلی ، قدرت هر قدر پراکنده تر باشد ، دموکراسی از اعتبار بیشتری برخوردار است و دولت مشروع تر انگاشته خواهد شد . در واقع ، روسای جمهور معمولاً قدرتی کمتر از رییس دولت در نظام پارلمانی دارند . در نظام های مبتنی بر ریاست جمهوری ، اختیار برای توشیح قوانین ، تصویب بودجه ، تخصیص منابع مالی و

انتصاب مقامهای عالی رتبه بین رئیس جمهور و قوه قانونگذاری (که خود معمولاً به دو مجلس تقسیم میشود) توزیع میشود. نظام های پارلمانی، برعکس، معمولاً یکپارچه اند و به نخست وزیر و هیات دولت امکان میدهند راه هایی خاص خود را برای قانونگذاری داشته باشند. نخست وزیری که به اکثریتی پارلمانی وابسته باشد، که وضع رایج در اکثر کشورهای مشترک المنافع انگلستان و تعدادی از کشورهای قاره اروپاست، قدرتی بسیار بیشتر و محدودیتی بسیار کمتر از رئیس جمهور قانونی دارد. هر رئیس جمهور طبق قانونی اساسی میتواند فقط پیشنهاد دهد و مجلس هم درباره آن تصمیم بگیرد.

تفاوت نظام ریاستی با نظام پارلمانی چیست؟

در ابتدا برای تبیین موضوع باید به تبیین برخی تعاریف پرداخت. طبق تعریف دولت (دولت- ملت) واحد سیاسی است که دارای استقلال و حاکمیت، قلمرو، جمعیت و حکومت است. در دوران مدرن دولت- ملتها جایگزین امپراطوری ها و نظامهای سنتی شده اند. طبق تعریف هر دولت (دولت - ملتی) دارای یک رئیس دولت (دولت- ملت) و هم چنین یک رئیس حکومت است. رئیس دولت-ملت یا رئیس کشور مظهر وحدت ملی و هویت ملی و حل کننده اختلافات است. رئیس حکومت در واقع رئیس قوه مجریه است و ریاست هیات دولت را برعهده دارد.

در **نظامهای ریاستی** ، رئیس کشور یا رئیس جمهور ، رئیس حکومت / هیات دولت هم هست و مسوولیت اجرایی دارد. در واقع ریاست کشور با ریاست حکومت یکی است . مثلاً رئیس جمهور امریکا هم رئیس دولت - ملت / کشور / جمهور امریکا است و هم رئیس هیات دولت / قوه مجریه امریکا . نظام های ریاستی به صورت جمهوری اداره می شوند. در این نظام ها بین قوا تفکیک وجود دارد و قوه مجریه تا حد زیادی مستقل از قوه مقننه است ..

در **نظام های پارلمانی** به نوعی بین ریاست کشور و ریاست هیات دولت تفاوت وجود دارد. در واقع در این کشورها رئیس کشور نقشی نمادین و تشریفاتی و حل کننده برخی تعارض های قوا را دارد و رئیس هیات دولت ، صدر اعظم یا نخست وزیر مسئولیت اجرایی را بر عهده دارد . روسای کشورها تا کنون در دنیا به دو گونه بوده اند . یا رئیس جمهور هستند و یا شاه و ملکه . در این مدل چه رئیس جمهور و چه شاه (ملکه) دارای قدرت بالای اجرایی نیستند و نوعی نماد وحدت ملی و حل برخی تعارضات را دارند. اما نخست وزیر و یا صدر اعظم دارای قدرت اصلی است . او در واقع عمدتاً رهبر حزب پیروز در انتخابات پارلمانی است . در واقع ما با دو گونه نظام پارلمانی روبرو هستیم :

۱. مشروطه سلطنتی (انگلستان ، جاپان و ناروی)
۲. جمهوری با نظام پارلمانی (هند و یا ترکیه) . (در این گونه مدل ها قوه مجریه بر آمده از دل قوه مقننه است .

ویژگی هایی نظام پارلمانی در مقابل نظام ریاستی چیست؟

در نظام های پارلمانی مجلس اهمیت زیادی دارد چون قوه مجریه محصول مجلس است و مجلس رییس قوه مجریه را انتخاب می کند و بر رفتار او و وزرا نظارت می کند و در نظام های سیاسی ریاستی معمولاً وقتی رییس حکومت انتخاب می شود از قدرت اجرایی بالایی برخوردار است و علاوه بر ریاست قوه مجریه شخصیت محوری نظام سیاسی محسوب می شود. در نظام های نیمه ریاستی و نیمه پارلمانی ، پارلمان در نظارت بر رییس قوه مجریه و وزرا نقش دارد اما از آنجایی که رییس قوه مجریه مستقیماً از طرف مجلس انتخاب نمی شود از استقلال بیشتری برخوردار است و گاهی تیغ نظارت مردم که سمبل آنها نمایندگان مجلس هستند در مقابل او کند می شود. در قانون اساسی اختیاراتی برای مجلس در نظر گرفته شده که بتواند به نمایندگی از طرف مردم بر رفتار رییس جمهور نظارت کند ؛ اما میکانیزم آن سخت است مانند استیضاح رییس جمهور ؛ و به این دلیل اغلب به مجلس ورود پیدا نمی کند و باعث می شود که رییس جمهور احساس استقلال بیشتری بکند و گاهی اوقات تخلفات قانونی او از مصوبات مجلس زیاد می شود.

در پاسخ به این پرسش که در نظام پارلمانی صلاحیت از مردم گرفته شده و به پارلمان داده می شود و در واقع این مسیله به معنای کمرنگ شدن نقش مردم در تعیین سرنوشت کشور است باید گفت: همان طور که مردم رییس جمهور را انتخاب می کنند همان مردم نمایندگان مجلس را هم انتخاب می کنند و نمایندگان مجلس منتخب مردم هستند نمی توان گفت

که نقش مردم کمرنگ می شود. اتفاقاً حوزه نظارتی مردم بر قوه مجریه قوی تر می شود.

مزایا و معایب نظام پارلمانی :

مزایا :

مهمترین مزایای نظام پارلمانی عبارتند از:

۱. توسعه هموارتر دیپلماسی پارلمانی :

در نظامهای پارلمانی به دلیل سوابق فعالیتهای پارلمانی دولتمردان و همچنین تعامل نزدیکتر کمیسیون امنیت ملی با سکان داران وزارت امور خارجه، فضای مساعدتری برای توسعه دیپلماسی پارلمانی فراهم است.

۲. کاهش آرای ممتنع :

یکی از ویژگیهای پارلمانهای چابک ، پایین بودن آرای ممتنع در صحن پارلمان است . در نظامهای پارلمانی به دلیل اینکه رویکرد نمایندگان در قبال طرح و لوایح در درون حزب مشخص میشود ، به صورت طبیعی تعداد آرای ممتنع به حداقل کاهش مییابد.

۳. نظام مبتنی بر برنامه :

یکی از مأموریت‌های مهم احزاب در نظام پارلمانی ، ترسیم برنامه های حزب در دوره فعالیت پارلمان است . این امر باعث میشود جایگاه سیاست‌های فردگرایانه در نظام‌های پارلمانی کمرنگ تر و برعکس جایگاه خرد جمعی پررنگ شود.

۴. کاهش هزینه های برگزاری انتخابات :

در نظام پارلمانی در فواصل زمانی مشخص شده در قانون اساسی ، فقط یک انتخابات برای تعیین ترکیب دولت و پارلمان انجام میشود درحالی که در نظام های ریاستی یا شبه ریاستی، انتخابات جداگانه ایی برای تعیین نمایندگان پارلمان و رئیس جمهور برگزار میشود که این امر هزینه های دولت برای برگزاری انتخابات جداگانه را افزایش میدهد.

۵. تقویت حضور قانونگذاران در پُست‌های مدیریتی اتحادیه های

پارلمانی :

کشورهای دارای نظام پارلمانی به دلیل تجارب انباشته شده در حوزه فعالیت‌های دیپلماتیک و از طرفی همکاری‌های نزدیک وزارت امور خارجه با نمایندگان پارلمان ، از دیپلماسی پارلمانی قویتری در قیاس با نظام های ریاستی برخوردارند . از طرفی احزاب منسجم و دارای برنامه ، نقش مهمی را در آرایش سیاسی پارلمان اروپا ایفا میکنند . بررسی آرایش و ترکیب سیاسی کرسی‌های مدیریتی اتحادیه های پارلمانی نیز نشان میدهد افرادی که دارای تجارب ارزنده ایی در حوزه

فعالیت‌های حزبی پارلمانی اند از موقعیت مساعدتری برای حضور در کرسی های مدیریتی برخوردار بوده‌اند.

۶. افزایش درخواست های ملی و کلان در قیاس با درخواستهای

منطق های :

نگاه احزاب بیشتر به دغدغه‌های ملی و کلان است . به طوری که گرایش نمایندگان در نظام های پارلمانی به جای اینکه به سمت دغدغه های محلی و منطق های معطوف شود بیشتر به سمت دغدغه های ملی متمایل میشود . این امر به صورت غیرمستقیم، تعداد سؤالات غیرضروری از دولت را نیز کاهش میدهد.

۷. ارتقای کیفیت نظارت پارلمانی:

فقدان احزاب سیاسی در پارلمان بر روابط قوه مقننه با مجریه تأثیر منفی میگذارد . زیرا رئیس جمهور به جای اینکه با موضع گیری های حزبی و گروهی درگیر باشد ، در دام بحث های دامنه دار و بی پایان با تک تک نمایندگان گرفتار میآید . طبعاً پاسخگو بودن در برابر یک گروه ، از جواب دادن به تعداد بیشماری از افراد که هریک ادعاها و تقاضاهای چندوجهی جداگانه‌ای دارند، راحتتر است.

۸. حکومت مقتدر و مسئول :

نقطه قوت اصلی نظام پارلمانی این است که حکومت مقتدر و در عین حال مسئولی را به وجود میآورد. اقتدار حکومت از بابت اتکایی است که بر اعتماد پارلمان دارد و بدین ترتیب در اکثر مواقع میتواند از تصویب لوایح اش در پارلمان اطمینان داشته باشد. حکومت تا زمانی میتواند بر سر کار باشد که اعتماد پارلمان را به خود حفظ کند. زیرا قدرت برتر در دست پارلمان است و این قدرت، توانایی عزل و نصب حکومت (قوه مجریه) را دارد.

۹. ترویج دموکراسی پارلمانی :

حکومت پارلمانی، غالباً مروج دموکراسی قلمداد میشود. چرا که دموکراسی پارلمانی موجب نوعی از حکومت مسئول و مبتنی بر نمایندگی است که پارلمان در آن به عنوان مرجعی برای تبادل افکار و دیدگاهها قلمداد میشود.

۱۰. جلوگیری از استبداد قوه مجریه :

به دلیل ارتباط عمیق قوه مجریه با نهاد پارلمان، احتمال استبداد قوه مجریه به شدت کاهش مییابد. دولت در هر مورد باید نظر نمایندگان ملت در پارلمان را جلب کند و از اینرو، پارلمان به عنوان ترمزی در برابر استبداد قوه مجریه فرض میشود.

۱۱. تقویت نظام حزبی :

این نظام به دلیل اینکه بر کارکرد حزبی متکی است ، موجب ایجاد و تقویت نظام حزبی میشود . از آنجا که احزاب سیاسی میتوانند در انتخابات عمومی برنامه ها و سیاستهای خود را به شهروندان عرضه کنند و از آنجا که کسب اکثریت در پارلمان به معنای تصاحب قوه مجریه و دولت میباشد، لذا در این نظام انگیزه بیشتری برای احزاب سیاسی جهت رقابت در انتخابات وجود دارد.

۱۲. تقویت همسویی بین دولت و پارلمان :

یکی از ملزومات تسهیل و تسریع اداره امور جاری کشور، تقویت هماهنگی بین قوا با تفکیک دقیق وظایف هر کدام از آنهاست . تقویت تعامل بین مجلس و دولت، بازتاب خود را به صورت مستقیم بر جامعه خواهد گذاشت . افزایش تنش بین دولت و مجلس نیز به صورت مستقیم میتواند هزینه های هر دو را افزایش دهد.

در نظام های پارلمانی، جناح اکثریت متولی تشکیل پارلمان میشود . از طرفی به دلیل همسویی فکری رویه ایی قوای مقننه و مجریه، سایش سیاسی قانونگذاران و دولتمردان در قیاس با نظام های - ریاستی کمتر است . در نظام های پارلمانی رقابت به جای اینکه بین قوای مقننه و مجریه باشد بیشتر به سمت سایش های سیاسی درون پارلمانی و رقابت بین احزاب اکثریت و اقلیت بروز پیدا میکند . از طرفی به دلیل همسویی حزبی پارلمان و کابینه، فضای هموارتری نیز برای انعقاد تفاهم نامه های راهبردی بین دولت و دستگاههای اجرایی فراهم است.

۱۳. کاهش آمار غیبت نمایندگان در جلسات کمیسیونها و صحن

پارلمان :

در نظامهای پارلمانی جدا از نظارتهای اداری، حزب نیز نقش مهمی را در ساماندهی حضور و غیاب ها ایفا میکند و نمایندگانی که غیبت های مکرر داشته باشند از طریق حزب نیز مورد بازخواست قرار میگیرند .این امر به صورت غیرمستقیم ، نظم جلسات کمیسیونها و صحن پارلمان را نیز ارتقا میدهد.

۱۴. آشنایی دولتمردان با کاستی های نظام قانونگذاری :

در نظام های پارلمانی، وزرای کابینه در اغلب مواقع از میان کسانی انتخاب میشوند که به دلیل سابقه نمایندگی، دارای تجارب انباشته شده در حوزه های مرتبط با تقنین و نظارت اند .این امر باعث شده است در سیاستهای کلان اجرایی، ملاحظات قانونگذاران نیز لحاظ شود.

۱۵. پویایی نظام سیاسی:

در نظام های پارلمانی، هرگونه شکست یا ناکارآمدی کابینه میتواند موقعیت سیاسی حزب یا ائتلاف اکثریت پارلمان در انتخابات آینده را با مخاطره مواجه کند .به همین دلیل اعضای کابینه ناچار اند بیشترین تلاش برای ارتقای کارایی سیاستهای اجرایی را مورد توجه قرار دهند تا از طرف حزب اکثریت تحت فشار

قرار نگیرند. این امر به صورت غیرمستقیم پویایی، پاسخگویی، چابکی و شفافیت دولت در نظام های پارلمانی را تقویت میکند.

۱۶. کاهش اختلافات و هماهنگی بیشتر قوا با یکدیگر :

حکومت پارلمانی یا کابینهای مبتنی بر ائتلاف و همکاری قوای مجریه و مقننه است و لذا تا حدود زیادی میتواند مانع از بروز اختلافات جدی بین دولتمردان و قانونگذاران شود. شکل پارلمانی حکومت در یک محیط متجانس بیشتر توان شکوفایی دارد.

۱۷. امکان تحقق بیشتر شایسته سالاری :

نمایندگان مجلس که باید از افراد متخصص و متعهد و با صلاحیت کافی علمی تشکیل شده باشند میتوانند با توانایی بیشتر و شناخت بهتری به انتخاب شخص اول اجرایی اقدام کنند.

۱۸. شناسایی استعدادها :

گسترده‌گی احزاب و تلاش آنها برای آموزش سیاسی مردم و جذب نیرو، سبب شناسایی استعدادها و تربیت آنها میشود. به این ترتیب نیروهای متخصص برای دریافت پستهای اجرایی افزایش مییابند.

۱۹. جلوگیری از خودکامگی قوه مجریه در برابر دیگر قوا :

وجود حزب اقلیت (حزب مخالف) به شرط آنکه سالم و کارآمد باشد، حزب حاکم را در مسیر صحیح نگه میدارد و مانعی بر سر راه خودکامگی قوه مجریه است. برای مثال اهمیت نقش مشاوره و سازنده حزب اقلیت در پارلمان انگلیس به حدی است که از آن با عنوان «کابینه در سایه» نام میبرند. در «نظام وست مینستر» حزب مخالف با انتخاب سخنگوی حزب اقلیت، نظر حزب متبوع خود پیرامون موضوعات مطروحه در پارلمان را اعلام میکند.

۲۰. بررسی تخصصی تر ابعاد مختلف یک موضوع :

در نظامهای پارلمانی به دلیل وجود مجلس علیا (مجلس سنا)، موضوعات در یک مجمع تخصصی تری بررسی میشود که به صورت مستقیم، کیفیت قوانین را نیز ارتقا میدهد.

معایب :

مهمترین معایب نظامهای پارلمانی عبارتند از:

۱. تبدیل حکومت پارلمانی به حکومت حزبی :

عملکرد حکومت پارلمانی به ماهیت نظام حزبی و فرهنگ سیاسی بستگی دارد. برای نمونه، حکومت پارلمانی ممکن است تبدیل به نوعی حکومت حزبی شود. چنین چیزی هنگامی رخ میدهد که حکومت از یک حزب واحد تشکیل شود که از لحاظ شکلی و سازمانی منسجم بوده و بر مبنای مأموریت مستقیم ازسوی رأی دهندگان و نه بر مبنای اقتدار پارلمانی عمل کند. این امر باعث میشود نظارت حزب اقلیت در مدیریت اجرایی کشور مغفول واقع شوند.

۲. احتمال سلطه قوه مجریه :

غالباً حکومت پارلمانی با معضل سلطه قوه مجریه، ملازمه دارد. در این راستا، «لرد هایل شام» نظام بریتانیا را به عنوان «دیکتاتوری انتخابی» توصیف کرد. در صورتی که حکومتها از اکثریت برخوردار باشند و بتوانند انضباط حزبی خود را نیز حفظ کنند، پارلمان ممکن است به «دکان چانه زنی» تنزل یافته و اعضای آن صرفاً به «مهره‌های اعمال نفوذ» مبدل شوند.

۳. بی ثباتی سیاسی در نظام های پارلمانی چندحزبی :

قوام و ثبات دولتها در نظام پارلمانی در قیاس با نظام ریاستی پایین تر است. برعکس در نظام های ریاستی، دولتها تا یک مدت زمان مشخص که در قانون اساسی تعیین شده در قدرت باقی میمانند. پایین بودن قوام سیاسی در نظام های پارلمانی چندحزبی پایین تر است. برای مثال ایتالیا از ۱۹۴۵ تا ۱۹۹۶ شاهد بیش از ۵۲ حکومت بود.

۴. فقدان توازن بین قوای مقننه و مجریه

در نظامهای پارلمانی، دولت خود را وامدار جناح یا حزب اکثریت پارلمان میداند و این آسیب محتمل است که قوه مجریه به عنصر سیاسی زیر نظر پارلمان تبدیل شود و برخی نمایندگان با اعمال فشار بر دولت، مقاصد حزبی را تأمین نمایند. برعکس در نظام های ریاستی، رئیس جمهور خود را منتخب ملت میداند

و بخشی از رسالت خود را صیانت از حقوق شهروندان تعریف میکند. به همین دلیل در برخی مواقع در نظام های ریاستی بین دولت و پارلمان در خصوص سطح وظایف یکدیگر تفسیرهای متفاوتی ارائه میشود.

۵. افزایش به نسبت سیاسی در نظام های پارلمانی چندحزبی :

نظام های پارلمانی میتواند به صورت تک حزبی، دوحزبی یا چندحزبی باشد. یکی از آسیب های نظام پارلمانی چندحزبی، افزایش انسداد سیاسی در تصمیم گیریهای راهبردی است. زیرا به دلیل وجود احزاب مختلف در ترکیب دولت، اختلاف مواضع در برخی تصمیم گیریهای مهم کشوری، افزایش مییابد به طوری که دامنه آن در برخی مواقع به حدی است که باعث انسداد سیاسی و برگزاری انتخابات زودرس میشود. این امر چابکی دولت در نظام های پارلمانی چندحزبی را به طور محسوسی کاهش میدهد.

۶. فقدان پاسخگویی و انضباط در برابر رأی دهندگان :

منتقدان نظام پارلمانی بر این باورند که این نظامها در قیاس با نظام های ریاستی، ذاتاً از مسئولیت و پاسخگویی کمتری برخوردارند. زیرا مسئولیت در قبال تصمیمات متخذه توسط یک کابینه جمعی در قیاس با مسئولیت در قبال تصمیمات متخذه انفرادی کمتر است. این موضوع مخصوصاً زمانی که ائتلاف های متعددی قوه مجریه را تشکیل میدهند، بسیار مسئله ساز است. زیرا

تشخیص این امر که چه کسی مسئول سیاستهای غلط بوده است، در این فرض، برای رأی دهندگان بسیار دشوار است.

۷. نادیده گرفته شدن استعداد های حزب مخالف :

حاکمیت حزب اکثریت در نظام های پارلمانی، سبب میشود تا اشخاص با استعداد حزب مخالف نادیده گرفته شوند و در پی آن به خودکامگی و انحصارگرایی حزب پیروز در مجلس و قوه مجریه بینجامد. در واقع نظام حزبی همانگونه که ممکن است سبب جلوگیری از خودکامگی شود میتواند موجبات خودکامگی را نیز فراهم کند.

۸. فقدان استمرار در سیاست گذاریها :

به دلیل تغییر مستمر و سریع دولتها در نظام های پارلمانی، استمرار سیاستها در حوزه های اجرایی میتواند با چالش مواجه شود.

۹. فقدان سرعت عمل در مواقع بحران :

رئیس جمهور به دلیل رابطه تنگاتنگ با دستگاه های اجرایی و سرعت عمل در تصمیم گیریها، نقش مهمی را در هماهنگ سازی نهادهای اجرایی برای پیشگیری از ایجاد و گسترش بحران های غیرمترقبه دارد. درحالی که رقابت احزاب در نظام های پارلمانی میتواند ابتکار عمل کابینه در مهار بحران را کمزنگ نماید. از طرفی به دلیل اینکه رئیس قوه مجریه از طرف پارلمان انتخاب میشود،

این آسیب محتمل است که رئیس جمهور خود را وامدار احزاب و گروههای سیاسی اکثریت مجلس بداند که این امر میتواند ملاحظات دولتمردان در حوزه اجرا را افزایش دهد.

جمهوری اسلامی ایران :



از سال ۶۸ که نظام ایران از پارلمانی به ریاستی و در جریان بازنگری قانون اساسی تغییر یافت، هیچ حرفی درباره خوب یا بد بودن «نظام پارلمانی» و «نظام ریاستی» مطرح نشد تا اینکه برای اولین بار در سال ۹۰ مقام معظم رهبری در سفر به کرمانشاه، این موضوع را طرح کردند .

ایشان در این خصوص فرمودند: «ما یک روزی در قانون اساسی نخست‌وزیر و رئیس جمهور داشتیم، با یک شکل خاصی؛ بعد تجربه به ما نشان داد که این درست نیست. امام دستور دادند گروهی از خبرگان ملت، از دانشگاهیان، از روحانیون، از مجلس شورای اسلامی، از برجستگان و نخبگان بنشینند و آنچنان که بر طبق نیاز است، آن را تغییر بدهند. همین کار را هم کردند. یا در زمینه قضا همین جور .»

سخنان رهبر معظم انقلاب درباره موضوع «نظام پارلمانی یا ریاستی؟» این گونه ادامه یافت: «در آینده هم این‌ها قابل تغییر است. امروز نظام ما نظام ریاستی است؛ یعنی مردم با رأی مستقیم خودشان رئیس جمهور را انتخاب می‌کنند؛ تا الان هم شیوه بسیار خوب و تجربه شده‌ای بوده است. اگر یک روزی در آینده‌های دور یا نزدیک احساس شود به جای نظام ریاستی مثلاً نظام پارلمانی مطلوب است هیچ

اشکالی ندارد؛ نظام جمهوری اسلامی می تواند این خط هندسی را به این خط دیگر هندسی تبدیل کند؛ تفاوتی نمی کند.»

گمانه‌هایی در مورد چرایی طرح مسئله تغییر نظام ریاستی از سوی مقام معظم رهبری:

اظهارات رهبر معظم انقلاب اسلامی به دلایلی خاص مورد توجه ویژه اصحاب سیاست قرار گرفت و هر یک از منظری به شرح چرایی طرح این موضوع پرداختند. در این باب حداقل سه نظر مطرح گردیده که مبتنی بر آن، شاهد ارائه دیدگاه های مختلف چند گروه در این زمینه هستیم.

۱. از منظر گروه اول، محور سخنان رهبری معظم انقلاب، طرح مسئله ظرفیت های نظام اسلامی و نسبت آن با تحولات و مقتضیات زمان بوده که معظم له در آن اظهارات، ضمن توضیح این مسئله که آنچه در نظام اسلامی ثابت است، اهداف و آرمان هاست و سازوکارها و نهادها می توانند دستخوش تحول و تغییر قرارگیرند، به شرح مثالی پرداخته و به مسئله ساختار سیاسی نظام اشاره کردند و به واقع، موضوع تغییر نظام پارلمانی و ریاستی تنها یک شاهد مثال بوده است.

مبتنی بر این دیدگاه، سخن اصلی رهبری نه مسئله تغییر نظام ریاستی به پارلمانی، بلکه بررسی ظرفیت بالای نظام در نوسازی سیاسی و امکان تحول و تعالی است و مباحث مطرح شده از سوی عناصر سیاسی درباره این موضوع، اغلب حاشیه‌ای و گاه انحرافی بوده است .

۲. دسته دوم از تحلیل‌گران، با پذیرش نظر اول می‌افزایند که با دقت در مثال فوق می‌توان به پس‌زمینه ذهنی رهبری پی برد. طرح مسئله نظام ریاستی - پارلمانی به‌عنوان مثالی بر تحول‌پذیری نظام اسلامی حکایت از آن دارد که وجود برخی اشکالات پیش آمده از جمله اختلافات جدی دولت و مجلس، و تلاش برای یافتن راه‌حلی برای این اختلافات به یکی از دغدغه‌های ذهنی معظم‌له تبدیل شده که در برخی حالات و اظهارات، نشانه‌های آن را می‌توان مشاهده کرد. طرح این مثال نیز حکایت از آن دارد که معظم‌له به تغییر نظام ریاستی به پارلمانی به عنوان یکی از گزینه‌ها توجه داشته‌اند.

۳. اما دسته سوم پا را از این نظر نیز فراتر نهادند و از منظری دیگر معتقدند طرح این مثال و این ایده از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی، آگاهانه و هدفمند مطرح شده است. مبتنی بر این نظر، مسائل و اختلافات پیش آمده در ماه‌های اخیر در کنار معضلاتی که نظام ریاستی در طول دهه ۷۰ و ۸۰ از خود نشان داده است، این مسئله را به یکی از دغدغه‌های

رهبر معظم انقلاب اسلامی تبدیل کرده است. معظم‌له نیز با طرح این مسئله در تلاش است تا آن را در صدر توجه مراکز عملی و پژوهشی و انجمن های آزاداندیشی و کرسی های نظریه پردازی قرار دهد تا ابعاد مختلف مسئله آشکار شود و آنگاه راهکار مناسبی که به اجماع کارشناس امر رسیده است، ارائه گردد.

۴. گروه دیگر با دسته سوم موافقت می‌کند که رهبر معظم انقلاب اسلامی این مسئله را آگاهانه و هدفمند مطرح ساخته‌اند؛ اما معتقدند این مسئله با هدف فشار آوردن به دولت برای تغییر رفتار و تمکین به قانون بیان گردیده و این پیام را دارد که اگر دولت رفتار خود را تغییر ندهد، راهکارهایی برای محدود کردن آن وجود دارد. به واقع، این اظهارات رهبری هشدار و خط و نشانی است به دولت و جریان انحرافی که در صورت عدم توجه، با آنها برخورد خواهد شد.

۵. برداشت های دیگری نیز اغلب از جانب ضدانقلاب خارج کشور و رسانه های بیگانه در این زمینه مطرح شده که در این نوشتار از پرداختن به آن صرف نظر می‌شود؛ اما ضرورت دارد تا به شبهاتی که بیگانگان در سایه این تحلیل، علیه نظام طرح کرده‌اند، پاسخ داده شود.

چرا بعد از ۲۸ سال می توانیم به فکر بازگشت به نظام پارلمانی باشیم؟

چرایی تبدیل شدن نظام ریاستی جمهوری اسلامی به نظام پارلمانی پس از گذشت ۲۸ سال از تغییر نظام پارلمانی سابق به نظام ریاستی از مسائل و موضوعاتی است که ذهن بسیاری از کارشناسان و مردم عادی را به خود معطوف کرده است. اگرچه تاکنون نمایندگان مجلس و کارشناسان بسیاری از بین سیاسیون و حقوقدان ها در این خصوص اظهار نظر کرده اند، توجه به این نکات هم لازم است که اگر در بحث بازنگری احتمالی قانون اساسی مساله تغییر نظام ریاستی به نظام پارلمانی مطرح شد، چرا چنین مساله ای پس از ۲۸ سال دوباره طرح و پیگیری شده است.

به نظر می آید اگر این موضوع دنبال شود، فارغ از اینکه کشور مهبیای آن هست یا خیر و اینکه مردم به آن رأی می دهند یا نه، طرح این مسأله دارای ریشه در قانون اساسی است. اولین ریشه که البته میان مدت است مربوط به اختلافات مجلس و رییس جمهور است و در دوره های مختلف هم شاهد آن بوده ایم، این است که در نظام های ریاستی معمول دنیا مانند آمریکا به نوعی تفکیک میان هیات دولت و کنگره آمریکا وجود دارد و رئیس جمهور آمریکا دارای اختیارات زیادی است. اما در قانون اساسی ایران علی رغم نظام ریاستی و تفکیکی که بین قوا بر اساس قانون اساسی اعمال شده، مجلس دارای اختیارات زیادی است و قدرت و اختیارات زیادی برای اعمال نظارت بر عملکرد قوه مجریه است.

این قدرت بالای مجلس در برابر دولت که آسیب های زیادی را هم به همراه داشته

و دولت های مختلف برای عدم بهره گیری نمایندگان از قدرت نظارتی شان به روش های غیرقانونی برای تأمین نظر نماینده روی آورده اند، در حالی است که دولت برآمده از مجلس نیست. همان طور که گفته شد یا وزیران و اعضای دولت برای تأمین نظر و خواست نمایندگان و جلوگیری از اعمال قدرت نظارتی روی به روش های غیر متعارف می آورند و از طرفی در عمده موارد به ویژه در چند دوره اخیر دولت و شخص رئیس جمهور هم به دلیل اینکه قدرت خود را از مجلس نگرفته و رأی مردم را به صورت مستقیم کسب کرده است در برابر قوانینی که موافق خواستش نیست، تمکین نمی کند.

نظرات صاحب نظران در باب نظام پارلمانی :

**** نظر چند تن از کارشناسان و فعالین سیاسی موافق با نظام پارلمانی :**

محمد سعید احدیان مدیر مسئول روزنامه خراسان :

در مجموع اعتقاد دارم نظام پارلمانی در دراز مدت و با رعایت الزاماتی می تواند برای ما مناسب باشد، کاهش اختلافات میان قوای مختلف، پاسخگویی و مسئولیت پذیری را به عنوان مهمترین رکن حکمرانی خوب، کاهش قانون گریزی که همه دولت ها کم و بیش دچارش بوده اند را از محاسن نظام پارلمانی برشمرد و افزود: همچنین با نظام پارلمانی می توان امیدوار بود که نگاه های سیاسی در تصمیم گیری های کلان و خط مشی ها

نیز کاهش یابد چرا که می بینیم امروز این اختلافات سیاسی به تصمیم گیری های کلان کشور لطمه جدی وارد کرده ضمن اینکه به دلیل کوتاه بودن دوره های سیاست در ایران، مرجعیت ها و جمع بندی های روشنی از عرصه های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... نداریم و شاهد تغییر سیاست ها همزمان با تغییر دولت ها هستیم.

مهمترین مشکل ساختاری کشور شخص محوری می باشد و نظام پارلمانی کمک زیادی خواهد کرد تا شخص محوری به حاشیه برود.

شرط اصلی استفاده از این محاسن آن است که یک نظام حزبی قوی و واقعی در کشور ایجاد شود زیرا بدون تحزب، نظام پارلمانی یک اسم است که مشکلات زیادی را به همراه خواهد داشت. اگرچه حزب در نظام های پارلمانی و ریاستی مهم است اما در نظام پارلمانی اصولا دولت بر مبنای حزب شکل می گیرد و نظام بدون حزب امکان پذیر نیست چون احزاب هستند که باید با ائتلاف یا به تنهایی دولت را تشکیل دهند.

سعدالله زارعی فعال سیاسی اصولگرا :

قائل به ترجیح یکی از دو نظام پارلمانی یا ریاستی نسبت به یکدیگر نیستیم و معتقدم در کشور در این دوره ۴۰ ساله هر دو نوع این نظام ها را تجربه کردیم و الان هم نظام فعلی، نظام نیمه ریاستی و نیمه پارلمانی است.

ولی اگر تصور کنیم مسئله کشور مسئله نوع نظام حکومتی پارلمانی یا ریاستی است به نظر من برای اثبات این دچار مشکل می شویم. مشکل ما این است که بنیه های تشکیل دولت قوی را نداریم که یکی از مسائل مهم آن حزب است، احزاب قوی و مسئول که اساس نامه محکمی داشته باشند و تفکیک حاکمیتی خاصی را در کشور نمایندگی کنند در کشور نداریم.

یکی از مشکلات ما وجود احزاب انتخاباتی و غیرمسئول در کشور است، کسانی به اسم حزب می آیند و درانتخابات تاثیراتی می گذارند اما هیچ مسئولیتی را نمی پذیرند و خارج از انتخابات هیچ بروز و ظهوری ندارند. مشکل اصلی ما در جمهوری اسلامی این است که احزاب قوی نداریم که مسئولیت بپذیرند و مسئولانه عمل کنند، پایبندی به قانون در کشور ما ضعیف است؛ مجلس و دولت و قوای نظارتی اختیاراتی دارند که از آن استفاده نمی کنند.

فکر می کنم با این وضعیت نظام پارلمانی تطبیق بیشتری و کمک بهتری می کند، اگر به نظام پارلمانی با عیوب دهه ۶۰ برنگردیم؛ به عنوان مثال یکی از موارد اینکه پست ریاست جمهوری به کل نداشته باشیم و اساسا کار در مجلس شکل بگیرد و نخست وزیر بتواند کامل بر کابینه احاطه داشته باشد به گونه ای که نگران فشارهای مجلس نباشد. با رفع عیوب نظام پارلمانی دهه ۶۰ یک نظام پارلمانی مسئول و قوی در کشور داشته باشیم.

دکتر محبی ؛ فعال سیاسی ؛ پژوهشگر حقوق عمومی :

حکومت های پارلمانی و یا ریاستی هر کدام مزیت هایی دارند همانطور که طبق گزارشات موجود در جهان نظام های پارلمانی در اداره امور داخلی کارآمدتر هستند و از سوی دیگر نظام های ریاستی در سیاست خارجی موفقیت بیشتری دارند.

در حال حاضر نظام سیاسی ما نه به ریاستی شبیه است و نه به پارلمانی

برای مشروعیت نظام سیاسی از یک طرف و مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خود سیستم پارلمانی با کشور ما سازگارتر است.

در یک نظام انتخاباتی نسبی تقسیم قدرت به شکلی است که هیچ گروهی بی نصیب نمی ماند و تمامی گروه ها در قدرت مشارکت دارند.

تعیین انتخابات نسبی و ایجاد نظام پارلمانی به همراه تقویت احزاب سازوکارهای حقوقی است که نظارت بر نمایندگان مردم را بیشتر می کند و پاسخگویی را افزایش می دهد.

دکتر مجید وحید ؛ استاد دانشگاه ؛ فعال سیاسی :

نظام ریاستی سبب از بین بردن کارآمدی نظام شده است، ما باید یک نظام یک دست داشته باشیم چراکه تنها نظامی در جهان هستیم که بخش های مختلف یکدیگر را قبول ندارند.

ما به مردم می‌گوییم به کسی رای دهند که بعد از ۴ یا ۸ سال باید کنار گذاشته شود و سطح عوض شدن افراد را به سطح ریاست جمهوری آورده‌ایم و همیشه منتظریم دوره فردی تمام شود تا فرد دیگری جایگزین شود.

بنده موافق نظام پارلمانی هستم. اینکه یک مجلس باشد تا پاسخگو باشد و اختیارات نخست وزیر مشخص باشد این موضوع ایجاد مشارکت می‌کند چرا که مشارکت در صورتی ایجاد می‌شود که رای مردم مفید واقع شود. مشارکت در صورتی بالا است که منجر به نتیجه شود و تا زمانی که تغییراتی در این سطوح ایجاد نشود مشارکت افزایش نمی‌یابد چرا که در سیاست‌گذاری موضوع تداوم سیاست‌گذاری امکان موفقیت را ایجاد می‌کند که با نظام پارلمانی این سیاست‌گذاری در ایران تداوم پیدا می‌کند.

نظام ما نظامی منحصر به فرد است که موضوع کارآمدی در آن بسیار اهمیت دارد و این نظام ما با یک‌دست شدن به سمت کارآمدی خواهد رفت.

**** کارشناسان مخالف نظام پارلمانی چه می‌گویند؟**

هرچند برخی کارشناسان معتقدند که در شرایط فعلی بازگشت به نظام پارلمانی باعث ایجاد فسادهای زیادی به ویژه در مجلس خواهد شد و با این شرایط نخست وزیر تنها بازیچه دست نمایندگان مجلس خواهد بود. این کارشناسان بر این عقیده

هستند که برقراری چنین نظامی تنها در شرایطی مطلوب جمهوری اسلامی خواهد بود که تحزب به شکل واقعی در ایران نهادینه شود و احزاب قوی میدان دار عرصه سیاست شوند تا هم شرایط برای پاسخگویی پس از قدرت مهیا باشد و هم تصمیمات بر اساس منافع سیاسی کشور و احزاب اتخاذ شود نه بر اساس منافع افراد.

آنچه کارشناسان بدان عقیده دارند این است که تنها عرصه جدی ظهور و بروز قدرت رأی مردم در شرایط فعلی کشور انتخابات ریاست جمهور و تعیین رئیس جمهور به دست مردم برای تغییر شرایط کشور است، لذا اگر هم چنین موضوعی از سوی مجلس به تصویب برسد، قطعاً مردم این قدرت انتخاب را از خود سلب نمی کنند و به اعمال چنین تغییراتی در قانون اساسی رأی مثبت نخواهند داد.

صادق زیباکلام، استاد دانشگاه تهران :

برخی کشورها مانند ژاپن؛ آمریکا و فرانسه نظام ریاستی اداره می شوند و برخی دیگر همچون انگلستان نظام پارلمان تاریستی را انتخاب کرده اند وی تاکید کرد: مساله اساسی در این کشورها این نیست که مردم سالاری با بودن پارلمان و انتخاب نخست وزیر توسط مردم دوام بیشتری دارد و یا اینکه مردم انتخاب کننده رییس جمهور به طور مستقیم باشند مردم سالاری متبلور می شود.

شما هم در انگلستان مردم سالاری را می بینید و هم در هند مردم سالاری جلوه می کند اما از انگلستان مردم سالارتر نمی بینید و از هند هم مردم

سالارتر نمی یابید اما مساله اصلی این است که تحقق و تجلی اراده رای دهندگان (چه رای دهندگان به نخست وزیر و چه رای دهندگان به رییس جمهور) در کدام جلوه می کند چرا که زمانی که مردم، اراده و خواست آنها باشد مشکلی پیش نمی آید.

رفتن به سمت پارلمانی شدن سیستم سیاسی مشکلات کشور را حل نمی کند . متاسفانه مسئولیت پذیری و شفافیت در جمهوری اسلامی خدشه دار شده است و با رفتن به سمت پارلمانی شدن مشکل حل نمی شود.

هدف نمایندگان از نامه نگاری برای بازنگری در قانون اساسی چه بود؟

بعد از فرمایش های رهبر معظم انقلاب، عده ای از نمایندگان مجلس نیز برای نخستین بار این موضوع را در قوه مقننه مطرح کردند و بر این عقیده بودند که بهتر است تکلیف این طرح نهایتاً به بعد از انتخابات ریاست جمهوری دوره یازدهم موکول شود، اما برخی هم بر این اعتقاد بودند که رهبری صرفاً در این خصوص نکته ای را متذکر شده اند و اشاره ایشان هم به آینده دور بوده نه شرایط فعلی. اما حالا و در ابتدای شکل گیری دولت دوازدهم، بار دیگر مجلس به این مسأله ورود کرده و آن طور که «عزت الله یوسفیان ملا» گفته، برای بازنگری در قانون

اساسی هم برخی نمایندگان نامه ای را خدمت مقام معظم رهبری ارسال کرده اند.

البته هرچند رئیس کمیسیون تدوین آیین نامه داخلی مجلس از ارسال نامه درخواست برای بازنگری در قانون اساسی سخن به میان آورده و از طرفی هم برخی نمایندگان گفته اند: «اگر انتخابات پارلمانی داشته باشیم، سیستم نخست وزیری و پارلمانی احیا می شود که به نفع کشور و لازمه آن تغییر قانون اساسی است.» و تحلیلگران هم چه موافق و چه مخالف به بررسی این مسأله پرداخته اند، اما همان طور که منبع اصلی اعلام این خبر یعنی یوسفیان ملا گفته، هدف از بازنگری اصلاح برخی موارد دیگر از قانون اساسی است و ممکن است در این بین برخی نمایندگان هم مسأله «نظام پارلمانی» را دنبال کنند.

دلیل اختلافات رؤسای جمهور با مجلس :

در دوره احمدی نژاد به کرات این مسأله مشاهده شد و ماجرای یکشنبه سیاه، حاصل همین دوگانگی در قدرت بود و از طرفی هم پرونده های بسیاری در خصوص عدم تمکین رئیس جمهور به نظرات مجلس شکل گرفت که برخی از آنان هنوز جزو اتهامات احمدی نژاد محسوب می شود و قرار است در قوه قضائیه پیگیری شود. روحانی هم که خود را فرزند مجلس می داند، اگرچه تلاش زیادی برای جلوگیری از اصطحکاک با نمایندگان انجام داده و با برقراری ارتباط حسنه با رئیس مجلس تلاش می کند، از طریق او به فضاهایی که احمدی نژاد وارد شد،

ورود پیدا نکند، اما به هر حال همه می دانند و خود او هم بارها نسبت به فراخوانی وزیرانش به مجلس برای پاسخگویی انتقادات زیادی کرده و برخی قوانین مصوب را معطل گذاشته است.

عملا این تضادها برخی فعالیت های اجرایی را دچار اختلال کرده است. از طرف دیگر رئیس جمهور در ایران فاقد برخی اختیارات مانند فرماندهی نیروهای مسلح و یا انحلال پارلمان است که اختیارات او را در حد نخست وزیر کاهش داده است. همین مسائل سبب شده است که طرح مسأله تغییر نظام ریاستی صورت بگیرد و برای بازگشت به شرایط ۲۸ سال قبل یعنی برگشتن به نظام پارلمانی تلاش شود.

چطور می توان در قانون اساسی بازنگری کرد؟

همه پرسى بازنگرى قانون اساسى جمهورى اسلامى ایران پس از پیشنهاد و تأیید اصلاح ها در هیئت بازنگرى در تاریخ ۶ مرداد ۱۳۶۸ با ۹۷٫۵٪ رای به تصویب مردم ایران رسید.

پس از تصویب اولین قانون اساسى جمهورى اسلامى ایران در سال ۱۳۵۸، امام خمینى در سال ۱۳۶۸ در نامه اى خطاب به حضرت آیت ال... خامنه اى رئیس جمهور وقت هیئتى به ریاست آیت الله مشکینى را مأمور بازنگرى و اصلاح قانون اساسى نمود که ریاست این گروه را برعهده داشت .

سه ماه بعد، پس از وفات امام خمینى ، قانون اساسى بازنگریسته در ۶ مرداد ۱۳۶۸ (همزمان با پنجمین دوره انتخابات ریاست جمهورى (در همه پرسى با اکثریت

آراء ۹۷,۳۸٪ مردم؛ ۱۶,۰۲۵,۴۵۹ رای مثبت از مجموع (۱۶,۴۵۶,۷۷۱) به تصویب رسید .

بازنگری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در موارد ضروری به ترتیب زیر انجام می گیرد:

مقام رهبری پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام طی حکمی خطاب به رئیس جمهور موارد اصلاح یا متمیم قانون اساسی را به شورای بازنگری قانون اساسی با ترکیب زیر پیشنهاد می نماید؛

۱. اعضای شورای نگهبان
۲. رؤسای قوای سه گانه
۳. اعضای ثابت مجمع تشخیص مصلحت نظام
۴. پنج تن از اعضای مجلس خبرگان رهبری
۵. ده تن به انتخاب مقام رهبری
۶. سه تن از هیأت وزیران
۷. سه تن از قوه قضائیه
۸. ده تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی
۹. سه تن از دانشگاهیان

شیوه کار و کیفیت انتخاب و شرایط آن را قانون معین می کند. مصوبات شورا پس از تأیید و امضای مقام رهبری باید از طریق مراجعه به آرای عمومی به تصویب اکثریت مطلق شرکت کنندگان در همه پرسی برسد. رعایت ذیل اصل پنجاه و نهم در مورد همه پرسی "بازنگری در قانون اساسی" لازم نیست. «اصل ۵۹ می گوید: در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است اعمال قوه مقننه از راه همه پرسی و مراجعه مستقیم به آرای مردم صورت گیرد. درخواست مراجعه به آرای عمومی باید به تصویب دو سوم مجموع نمایندگان مجلس برسد. محتوای اصول مربوط به اسلامی بودن نظام و ابتدای کلیه قوانین و مقررات بر اساس موازین اسلامی و پایه های ایمانی و اهداف جمهوری اسلامی ایران و جمهوری بودن حکومت و ولایت امر و امامت امت و نیز اداره امور کشور با اتکا به آرای عمومی و دین و مذهب رسمی ایران تغییر ناپذیر است».

باید منتظر ماند و دید که نامه نمایندگان به مقام معظم رهبری برای صدور دستور بازنگری در قانون اساسی با چه دستوری از سوی ایشان مواجه خواهد شد؟ اینکه آیا دستور بازنگری صادر می شود یا نه و اینکه در صورت بازنگری نمایندگان در چه موارد بازنگری خواهند کرد و در نهایت آیا مردم به اصلاحات صورت گرفته از سوی مجلس در قانون اساسی رأی مثبت خواهند داد یا خیر، از موضوعاتی است که در آینده مشخص خواهد شد.

منابع و مآخذ :

- <http://www.tabnak.ir>
- مرکز پژوهش های شورای اسلامی
- ویکی پدیا (مجمع تشخیص مصلحت نظام)
- ویکی پدیا (همه پرسی بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران)
- ویکی پدیا (نظام پارلمانی)
- ویکی پدیا (فهرست کشورهای جهان بر پایه سیستم های حکومتی)
- <http://khamenei.ir>
- <http://wiki.ahlolbait.com>
- <https://www.khabaronline.ir>
- <http://www.canoon.org>
- <http://basirat.ir>
- <http://www.nca.af/>
- مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی